

جو بایدن و رمزگان عملیاتی در حوزه سیاست خارجی

حیدرعلی مسعودی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

چکیده

رئیس‌جمهور آمریکا از اختیارات زیادی در حوزه سیاست خارجی برخوردار است و تغییر آن می‌تواند تأثیرات جدی بر حوزه ادراکی و عملیاتی سیاست خارجی آمریکا داشته باشد. آگاهی از رویکردهای سیاست خارجی رهبران جدید معمولاً نیازمند ارزیابی دقیق باورهای اصلی آنهاست چراکه آشکارسازی باورهای مرکزی نخبگان سیاسی، امکان پیش‌بینی مواضع رهبران در موقعیت‌های احتمالی آینده را پدید می‌آورد. با توجه به انتخاب جو بایدن به‌عنوان چهل و ششمین رئیس‌جمهور آمریکا، سؤال اصلی مقاله این است که الگوهای ادراکی جو بایدن در حوزه سیاست خارجی کدام‌ها هستند؟ در واقع، هدف اصلی مقاله بررسی باورهای مرکزی جو بایدن در حوزه سیاست خارجی با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و مواضع پیشین او با استفاده از چارچوب مفهومی رمزگان عملیاتی است. برای این منظور جامعه آماری برگزیده از متون مربوط به زندگی سیاسی جو بایدن از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ با رویکرد تحلیل کیفی متون مورد بازبینی ذهنی و تفسیری قرار گرفته‌اند. یافته اصلی مقاله این است که ادراکات سیاست خارجی بایدن در حوزه باورهای بنیادین، بر اساس نگاه همکاری‌جویانه با متحدان آمریکا، ائتلاف‌سازی دموکراتیک بر ضد رقبای آمریکا و احیای رهبری قاعده محور آمریکا در عرصه جهانی و همچنین در حوزه باورهای ابزاری، بر اساس اقدام گام‌به‌گام، اولویت دیپلماسی با شرکت همه ذی‌نفعان و اهمیت رضایت مردم آمریکا در تصمیمات سیاست خارجی شکل گرفته است. در این مقاله، ابتدا مقدمه و ادبیات موجود و سپس چارچوب مفهومی و روش‌شناسی خواهند آمد. در ادامه، رمزگان عملیاتی جو بایدن بر اساس پنج سؤال مربوط به باورهای بنیادین و پنج سؤال مربوط به باورهای ابزاری مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. در نتیجه‌گیری، چارچوب‌های احتمالی سیاست خارجی دولت بایدن در قبال ایران مورد اشاره قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: رمزگان عملیاتی، سیاست خارجی آمریکا، جو بایدن، رویکرد ادراکی، رابطه ایران و آمریکا

مقدمه

انتخاب جو بایدن به ریاست جمهوری آمریکا موجی از امیدها و نگرانی‌ها را در میان کشورهای مختلف پدید آورده است. دولت‌هایی مانند چین، ایران و بسیاری از قدرت‌های اروپایی امیدوارند با پایان دوره کابوس وار ترامپ، سیاست خارجی آمریکا به سمت توازن بیشتر حرکت کند و برخی دیگر از کشورها مانند برزیل، اسرائیل، عربستان و امارات متحده عربی نگران‌اند که با پایان یافتن دوره ماه‌عسل ترامپ، سیاست خارجی دولت بایدن در تضاد با منافع آنها تنظیم شود.

رئیس‌جمهور آمریکا از اختیارات زیادی در اجرای سیاست خارجی و همین‌طور، تنظیم دستورکار از طریق توجه دادن رسانه‌ها و کنگره به موضوعات سیاست خارجی برخوردار است (Peake 2016: 83). بر اساس قانون اساسی آمریکا، رئیس‌جمهور مسئول تنظیم و اجرای سیاست خارجی است چرا که فقط رئیس‌جمهور و معاون او از طرف کل مردم آمریکا انتخاب می‌شوند و در قبال کل کشور مسئولیت دارند. اگرچه بر اساس ماده ۱ بند ۸ قانون اساسی آمریکا، اعلام جنگ در اختیار کنگره است، اما بر اساس ماده ۲ بند ۲ مسئولیت فرماندهی کل قوا با رئیس‌جمهور است و از این منظر نیز اختیارات گسترده‌ای در به کارگیری نیروهای نظامی دارد. در جلسه استماع کمیته روابط خارجی سنا در سال ۱۸۱۶ استدلال شده است که «رئیس‌جمهور نماینده قانونی آمریکا در روابط خارجی... و شایسته‌ترین فرد برای مدیریت زمان، چگونگی و شرایط مذاکره» در عرصه بین‌المللی است (Tower 1981: 232-233).

با توجه اختیارات گسترده رئیس‌جمهور آمریکا در حوزه سیاست خارجی، تغییر آن می‌تواند تأثیرات مهمی بر حوزه سیاست خارجی به جای بگذارد. آگاهی از رویکردهای سیاست خارجی رهبران جدید معمولاً نیازمند ارزیابی دقیق باورهای اصلی آنهاست چراکه آشکارسازی باورهای مرکزی نخبگان سیاسی، امکان پیش‌بینی مواضع رهبران در موقعیت‌های احتمالی آینده را پدید می‌آورد. بنابراین انتخاب جو بایدن به‌عنوان چهل و ششمین رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند تغییرات مهمی در حوزه ادراکی و عملیاتی سیاست خارجی آمریکا ایجاد کند.

بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که الگوهای ادراکی جو بایدن در حوزه سیاست خارجی کدام‌ها هستند؟ در واقع، هدف اصلی مقاله بررسی باورهای مرکزی جو بایدن در حوزه سیاست خارجی با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و مواضع پیشین او با استفاده از چارچوب مفهومی رمزگان عملیاتی است. برای این منظور جامعه آماری برگزیده از متون مربوط به زندگی سیاسی جو بایدن از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ با رویکرد تحلیل کیفی متون مورد بازبینی ذهنی و تفسیری قرار گرفته‌اند. در ادامه، ابتدا مقدمه و سپس ادبیات موجود خواهند آمد. سپس چارچوب مفهومی و روش‌شناسی بررسی خواهند شد. در ادامه، رمزگان عملیاتی جو بایدن بر اساس پنج سؤال مربوط به باورهای بنیادین و پنج سؤال مربوط به باورهای ابزاری مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. در نتیجه‌گیری، چارچوب‌های احتمالی سیاست خارجی دولت بایدن در قبال ایران مورد اشاره قرار می‌گیرند.

پیشینه تحقیق

بررسی ادبیات موجود در زمینه رمزگان عملیاتی نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت کاربردی آن برای تحلیل و پیش‌بینی تصمیمات سیاست خارجی، محققان ایرانی چندان از این چارچوب مفهومی استفاده نکرده‌اند. اما آنچه در بررسی آثار پژوهشی در جهان به چشم می‌خورد، دو دسته تحلیل کمی و کیفی رمزگان عملیاتی است که در کنار برخی آثار معدود فارسی در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

دسته اول از آثار شامل پژوهش‌های کیفی در حوزه رمزگان عملیاتی است. از جمله این آثار می‌توان به مقاله استفن دیسون (۲۰۰۱) با عنوان ترسیم پیامدهای سیاسی بازیگر سیاسی جدید از طریق رمزگان عملیاتی: ولادمیر پوتین اشاره کرد. دیسون در این مقاله درصدد پاسخگویی به سؤالات ده‌گانه رمزگان عملیاتی با ارجاع به مواضع و دیدگاه‌های پوتین و تحلیل متنی آنهاست. نتیجه‌گیری دیسون این است که از جمله باورهای بنیادین پوتین، نگاه دوگانه به حیات سیاسی یعنی نگاه همکاری‌جویانه در صورت همراهی طرف مقابل و نگاه خصمانه و آنارشیک در صورت عدم همراهی طرف مقابل

اشاره کرد. از دل این باور بنیادین می‌توان به باور ابزاری پاسخ متقابل و اقدام قدم‌به‌قدم به‌عنوان الگوهای رفتاری او در سیاست نگاه کرد.

در همین زمینه می‌توان به مقاله استفن واکر (۱۹۷۷) با عنوان پیوند میان باورها و رفتار: رمزگان عملیاتی هنری کیسینجر و جنگ ویتنام اشاره کرد. واکر در این مقاله به بررسی کیفی آثار علمی کیسینجر از رساله تحصیلی تا کتاب‌های علمی و مقایسه رمزگان عملیاتی مستخرج از آنها با الگوهای رفتاری او در دوران جنگ ویتنام می‌پردازد. یافته واکر این است که الگوی رفتاری کیسینجر بر اساس بازی معمای زندانی پیش رفته است. بر این اساس، او سیاستی منسجم و قابل پیش‌بینی طراحی می‌کند که بر اساس ابتکارهای دیپلماتیک و درعین حال، تهدید به کاربرد زور در صورت رد پیشنهاد سود نسبی هر دو طرف پیش می‌رود.

در کنار پژوهش‌های کیفی می‌توان به پژوهش‌های کمی در چارچوب رمزگان عملیاتی هم اشاره کرد. از جمله اسکات کریچلو (۱۹۹۸) در مقاله‌ای با عنوان آرمان‌گرایی یا عمل‌گرایی: تحلیل رمزگان عملیاتی اسحاق رایین و شیمون پرز با استفاده از روش بررسی افعال در نظام زمینه‌ای (VICS) به مقایسه دیدگاه‌های سیاست خارجی این دو رهبر سیاسی می‌پردازد. یافته‌های مقاله او نشان می‌دهد که برداشت رایین و پرز از تفکر سیاسی منازعه‌آمیز دهه ۱۹۷۰ به سمت بی طرفی دهه ۱۹۹۰ تغییر کرده است؛ اما پرز از انعطاف بیشتری در پاسخ به زمینه‌های موقعیتی متفاوت برخوردار بوده است.

مجید بهستانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان رابطه نگرش دینی و سیاست خارجی ادراکی: تحلیل رمزگان عملیاتی بازرگان و احمدی‌نژاد در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا نگرش دینی نخبگان سیاسی بر ادراکات سیاست خارجی آنها مؤثر است یا نه. بهستانی به الگوی ماتریسی واکر اشاره می‌کند که بر پایه سؤالات فلسفی و ابزاری الکساندر جرج به بررسی رمزگان عملیاتی احمدی‌نژاد و بازرگان می‌پردازد. او نشان می‌دهد که به ترتیب دو الگوی ادراک دینی متفاوت یعنی «انسان فطرت جوی بی‌مکان» و «انسان مختار ملی» بر سیاست خارجی آنها مؤثر بوده‌اند.

خسروی و افراسیابی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان رخدادها و سنجش تغییر در باورهای رهبران (مطالعه موردی باراک اوباما و انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در ایران) با رویکرد رمزگان عملیاتی واکر و شیفر به بررسی تغییر محدود باورهای اوباما بعد از انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۲ می‌پردازد. بر این اساس، ده سؤال فلسفی و ابزاری با رویکرد تحلیل محتوای کمی در قالب سامانه افعال در متن مستخرج از شانزده متن سخنرانی‌ها و مواضع اوباما در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ پاسخ داده شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که باورهای فلسفی و ابزاری اوباما پس از انتخاب حسن روحانی به سمت رویکرد غیرتعارض‌آمیزتر و با شدت عمل کمتر در قبال ایران تغییر یافته است.

جدای از جدیدبودن موضوع سیاست خارجی دولت جو بایدن، این مقاله از دو جنبه نوآورانه نسبت به کارهای مرور شده برخوردار است. اولاً این مقاله در صدد غنی‌تر کردن ادبیات پژوهشی در حوزه سیاست خارجی ادراکی است چراکه عمده آثار پژوهشی حوزه سیاست خارجی در ایران، با تکیه بر رویکردهای نظری کلان روابط بین‌الملل مانند واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری انجام می‌شود و نظریات میان‌برد مانند رویکردهای ادراکی جایگاه چندانی در میان محققان ایرانی ندارد. ثانیاً آثار معدود پژوهشی در حوزه ادراکی نیز با استفاده از روش‌های تحلیل کمی انجام شده‌اند و این مقاله در صدد است از روش کیفی برای تحلیل رمزگان عملیاتی استفاده کند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

چارچوب مفهومی و روش‌شناسی: رمزگان عملیاتی

رمزگان عملیاتی یکی از چارچوب‌های مفهومی ذیل نظریه‌های ادراکی تحلیل سیاست خارجی است. در این بخش ابتدا به نظریه‌های ادراکی سیاست خارجی اشاره خواهد شد. سپس چارچوب مفهومی رمزگان عملیاتی مورد بحث قرار خواهد گرفت و در نهایت، روش کاربست این چارچوب برای تحلیل ادراکات سیاست خارجی جو بایدن توضیح داده خواهد شد. نظریات ادراکی محصول کاربست مبانی روان‌شناختی و سطح تحلیل فردی در حوزه

سیاست خارجی است. این رویکرد در تضاد با دیدگاه‌های کلاسیک روابط بین‌الملل مطرح شده است که سیاست خارجی را از طریق تبیین رفتار عقلانی دولت‌های منفعت‌جویا در نسبت با ساختارهای کلان بین‌المللی تحلیل می‌کنند.

در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ دیدگاه تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی، تحت تأثیر عواملی مانند عقلانیت بهینه، تفکر گروهی، نقش سازمان‌ها در سیاست خارجی، سیاست دیوان سالارانه و نقش باورها و انگاره‌ها در تکوین سیاست خارجی کشورها مطرح شدند. مارگارت و هارولد اسپرات (Sprout and Sprout 1957) نخستین نظریه‌پردازانی بودند که به محیط ادراکی در سیاست‌گذاری توجه کردند و رویکرد تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را پایه گذاشتند. مارگارت و هارولد اسپرات محیط تصمیم‌گیری را به دو معنا به کار می‌برند: محیط عملیاتی^۱ که به معنای وجود عوامل پیرامونی جدای از برداشت و تصور ذهنی تصمیم‌گیران و محیط روانی^۲ که به معنای برداشت و دریافت تصمیم‌گیران از این عوامل است. رویکرد اسپروت‌ها نشان داد که ذهن تصمیم‌گیران مملو از باورها، نگرش‌ها، عواطف، انتظارات و ارزش‌هاست که تصمیم‌گیری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این رویکرد، سرآغاز بازگشت به خردترین سطح تحلیل یعنی ویژگی‌های فردی تصمیم‌گیران است که یکی از محصولات آن نظریه ادراکی رمزگان عملیاتی^۳ است (مشیرزاده ۱۳۹۷: ۱۵۳-۱۴۶).

منظور از رمزگان عملیاتی مجموعه سلسله‌مراتبی از باورهای محوری و پیرامونی رهبران سیاسی است که به نظام اعتقادی آنها شکل می‌دهد. این باورها به شکل غیرمستقیم و از طریق چگونگی پردازش اطلاعات بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند و به تعبیر واکر و همکاران، مجموعه‌ای از «وضعیت‌های ذهنی بدیل»^۴ را در اختیار محقق قرار می‌دهند (Stephen G. Walker, Mark Schafer and Michael D. Young 1998: 176).

1. Operational Environment
2. Psychological Milieu
3. Operational Code
4. Alternative states of mind

ازاین‌رو، برای بررسی طیف گزینه‌های رفتاری کنشگران بین‌المللی، مفید و ارزشمند هستند. هدف از کاربرد رمزگان عملیاتی در حوزه سیاست خارجی، «آشکار ساختن الگوهای موجود در تفکر رهبران است که تأثیری خاص بر رفتار سیاسی آنها دارد» (مشیرزاده ۱۳۹۷: ۱۶۸).

چارچوب مفهومی رمزگان عملیاتی برای اولین بار در دهه ۱۹۵۰ توسط ناتان لیتس برای تحلیل ارزش‌ها و نگرش‌های نخبگان سیاسی شوروی مورد استفاده قرار گرفت (Dyson 2001: 330). این چارچوب به تدریج با آثار علمی الکساندر جرج در قالب دو دسته سؤالات فلسفی درباره باورهای بنیادین سیاسی و سؤالات ابزاری درباره چگونگی نیل به اهداف سیاسی صورت‌بندی شد. سؤالات فلسفی درباره ماهیت تعارض آمیز/همکاری‌جویانه مناسبات بین‌المللی، امکان‌پذیری تحقق ارزش‌ها، قابل پیش‌بینی بودن آینده، کنترل‌پذیری تحولات تاریخی و نقش شانس در امور انسانی مطرح می‌شود. سؤالات ابزاری درباره چگونگی گزینش اهداف، تاکتیک کارآمد برای رسیدن به اهداف؛ کنترل‌پذیری مخاطرات کنش سیاسی و زمان‌بندی بهینه برای کنش مطرح می‌شود (مشیرزاده ۱۳۹۷: ۱۷۰-۱۶۹).

هالستی و واکر درصدد ارتقای چارچوب تحلیلی کلاسیک الکساندر جرج برآمدند. اوله هالستی درباره باور افراد درباره علت تعارضات بین‌المللی، نوعی گونه‌شناسی شش‌تایی ارائه کرد که بر اساس آن؛ نظام بین‌الملل از یک‌سو می‌تواند نظامی مبتنی بر هماهنگی تلقی شود که ریشه تعارضات عارضی آن را باید در سرشت بشر، سرشت جنگ‌طلب برخی دولت‌ها و سرشت نظام بین‌الملل جستجو کرد و در سوی دیگر، می‌تواند مبتنی بر نگاه تعارض‌آمیز تفسیر شود که ریشه تعارضات را باید در سرشت بشر، دولت‌های جنگ‌طلب و نظام بین‌الملل دنبال کرد. باور به هرکدام از این دیدگاه‌ها، تجویزهای سیاست‌گذارانه خاصی را به همراه خواهد داشت که ممکن است پایه تصمیم‌گیری‌های حساس دولت‌ها قرار گیرند (مشیرزاده ۱۳۹۷: ۱۷۲).

دلیل انتخاب این چارچوب نظری برای تحلیل باورهای سیاست خارجی جو پایدن این است که چارچوب رمزگان عملیاتی به دلیل آشکار کردن باورهای

در دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ انتخاب شده‌اند. این بازه زمانی دربرگیرنده مواضع بایدن به‌عنوان سناتور از سال ۲۰۰۳ هم‌زمان با حمله آمریکا به عراق و افزایش تنش ایران و آمریکا بر سر موضوع هسته‌ای ایران تا ژانویه ۲۰۰۹ هم‌زمان با آغاز دوره معاونت ریاست جمهوری آمریکا است. متون این دوره بر اساس معیار ارتباط با مسائل سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه یا ایران انتخاب شده‌اند.

متون دوره معاونت ریاست جمهوری یعنی دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ و همین‌طور دوره نامزدی ریاست جمهوری یعنی دوره زمانی ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ بر اساس منطق انتخاب هدفمند جمع‌آوری شده‌اند؛ به این معنا که آن دسته از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایی انتخاب شده‌اند که بیشترین ارتباط را با مسائل سیاست خارجی آمریکا داشته‌اند. در مجموع، یازده متن به‌عنوان نمونه جامعه آماری انتخاب و با روش تحلیل کیفی متن از طریق بازبینی ذهنی و تفسیری مورد تحلیل دقیق قرار گرفتند. در این پژوهش از نرم‌افزار MaxQuda برای تحلیل و کدگذاری کیفی متون استفاده شد؛ به این صورت که هرکدام از سؤالات ده‌گانه رمزگان عملیاتی به‌عنوان یک کد و زیرمجموعه‌های آن مشخص شد و بر مبنای این سؤالات، متون مورد بازبینی ذهنی و تفسیری قرار گرفتند. در ادامه مقاله، یافته‌های حاصل از این تحلیل کیفی در قالب دو دسته رمزگان عملیاتی بنیادین و ابزاری می‌آیند.

| جدول متون مورد بررسی برای استخراج رمزگان عملیاتی جو بایدن در حوزه سیاست خارجی | |
|---|--|
| تاریخ | عنوان |
| ۲۸ اکتبر ۲۰۰۳ | سخنرانی جو بایدن در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا |
| ۲ مارس ۲۰۰۶ | سخنرانی جو بایدن در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا |
| ۱۷ و ۱۸ می ۲۰۰۶ | سخنرانی جو بایدن در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا |
| ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶ | سخنرانی جو بایدن در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا |
| ۳ اکتبر ۲۰۱۴ | سخنرانی جو بایدن معاون رئیس جمهوری در دانشگاه هاروارد |
| ۱۱ جولای ۲۰۱۹ | سخنرانی جو بایدن در عنوان نامزد ریاست جمهوری |
| ۲۵ جولای ۲۰۲۰ | سخنرانی جو بایدن در مجمع حزب دموکرات به‌عنوان نامزد نهایی حزب برای انتخابات ریاست جمهوری |
| ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰ | مقاله جو بایدن در مجله <i>Foreign Affairs</i> |
| ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰ | یادداشت جو بایدن در CNN |
| ۲ دسامبر ۲۰۲۰ | مصاحبه جو بایدن با توماس فریدمن |
| ۴ دسامبر ۲۰۲۰ | مصاحبه جو بایدن و کامالا هریس با CNN به‌عنوان پیروز انتخابات |

رمزگان عملیاتی جو بایدن در حوزه سیاست خارجی

الکساندر جرج توضیح می‌دهد که باورها یا رمزگان عملیاتی تصمیم‌گیران را می‌توان با پاسخ به دو دسته پرسش فلسفی و ابزاری مورد واکاوی قرار داد؛ پرسش‌های فلسفی باورها درباره سایر کنشگران و کل سیاست را مشخص می‌کند و پرسش‌های ابزاری نشان می‌دهد که کنشگران سیاسی چگونه برای نیل به اهداف خود برنامه‌ریزی می‌کنند. در واقع، پاسخ به این ده پرسش به تحلیل گران کمک می‌کند که باورهای اصلی رهبران درباره سیاست را دریابند و بر اساس آن دست به پیش‌بینی درباره تصمیم‌های آنها درباره موضوعات خاص بزنند (مشیرزاده ۱۳۹۷، ۱۶۹-۱۷۱). در ادامه تلاش می‌شود که به هر یک از پرسش‌های ده‌گانه بر اساس ارجاع به مواضع و دیدگاه‌های جو بایدن پاسخ داده شود.

حوزه باورهای بنیادین (استراتژیک)

۱. سرشت روابط و ماهیت اساسی زندگی سیاسی، هماهنگ است یا متعارض؟

بایدن عرصه سیاست خارجی را عرصه هماهنگی منافع آمریکا با متحدان و تعارض منافع با رقبای دشمنان آمریکا می‌داند. این الگوی ادراکی را می‌توان از مواضع او نسبت به کنشگران مختلف بین‌المللی از جمله چین، روسیه و ایران مشاهده کرد. بایدن به‌عنوان معاون ریاست جمهوری او باما در سخنرانی مهم خود در دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۱۴ از یک طرف به موضوع آمادگی آمریکا برای مقابله با چین در موارد ضروری اشاره می‌کند و از طرف دیگر، از موفقیت اقتصادی چین ابزار رضایت می‌کند و آن را در راستای «منافع آمریکا» می‌داند. چراکه به نظر او رشد اقتصادی چین به معنای رشد آمریکاست (Biden 2014). اما بایدن در مقام نامزد ریاست جمهوری مواضع سخت‌تری نسبت به چین اتخاذ کرده است. بایدن چین را «چالشی ویژه»^۱ برای آمریکا در زمینه اقتصادی، سیاسی و فناوری می‌داند و توصیه‌اش این است که آمریکا باید موضع محکم‌تر و سخت‌تری در مقابل چین اتخاذ کند (Biden 2020c). بایدن معمولاً مواضع سخت‌گیرانه و تهاجمی نسبت به روسیه داشته است.

او هم‌زمان با اوج‌گیری تنش‌های میان روسیه و اوکراین بر سر شبهه‌جزیره کریمه، خواستار «تحمیل هزینه واقعی» بر روسیه به دلیل اقدامات نامتقارن این کشور بر ضد منافع آمریکا و متحدانش در ناتو است (Biden 2014). بایدن به‌عنوان نامزد ریاست جمهوری آمریکا از زبان تیزتری در مقابله روسیه استفاده می‌کند و از ناتو می‌خواهد که برای مقابله با «تجاوز روسیه» به ارتقای توانمندی‌های نظامی کلاسیک و مهم‌تر از آن توانمندی مقابله به تهدیدات غیر کلاسیک مانند فساد، اطلاعات نادرست و سرقت سایبری پردازد. بایدن مجدداً خواستار تحمیل هزینه‌های واقعی بر روسیه به خاطر نقض هنجارهای بین‌المللی شده است (Biden 2020c).

بایدن همین‌الگوی ادراکی را درباره ایران نیز دارد. او از سال ۲۰۰۳ و در زمان عضویت در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا بارها و بارها به مسئله ایران اشاره کرده است. از جمله در جلسه استماع درباره موضوع هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ به «چالش‌های آزاردهنده ایران برای امنیت آمریکا» اشاره می‌کند ولی در عین حال، از امکان تحول در مسیر مثبت سخن می‌گوید. او همچنین از امکان یافتن اهداف مشترک بین ایران و آمریکا سخن می‌گوید. به نظر او آمریکا گزینه معامله بزرگ امنیتی با ایران را در راستای اهداف مشترک هر دو طرف به‌درستی آزمون نکرده است (Biden 2003). در راستای این نگاه، بایدن در سال ۲۰۰۶ در کمیته روابط خارجی سنا از هوچی‌گری و مواضع اغراق‌آمیز از یک طرف، و غفلت نسبت به مسئله ایران در سنای آمریکا انتقاد می‌کند و خواستار راه‌حل‌های «متوازن و عقلانی» برای مواجهه با این مسئله شده است (Biden 2006a). بایدن به‌عنوان نامزد ریاست جمهوری کم‌وبیش از دستاوردهای برجام و بازگشت به آن دفاع می‌کند ولی بازم تأکید دارد که «هیچ توهمی نسبت به رژیم ایران و اقدامات بی‌ثبات‌کننده‌اش در خاورمیانه ندارد». توصیه او این است که آمریکا باید «شیوه هوشمندانه‌ای برای مقابله با تهدیدات ایران نسبت به منافع آمریکا» در پیش گیرد (Biden 2020c).

۲. خوش‌بینی به تحقق آرمان‌ها: برای تحقق نهایی ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین سیاسی فرد چه چشم‌اندازی وجود دارد؟

بایدن را می‌توان فردی خوش‌بین در حوزه سیاست خارجی آمریکا دانست. او در سخنرانی‌اش در دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۱۴ به ورودش به کنگره آمریکا به‌عنوان جوانی آرمان‌گرا و همچنین جایگاه فعلی‌اش به‌عنوان «فرد خوش‌بین کاخ سفید»^۱ اشاره می‌کند. او صراحتاً خودش را خوش‌بین می‌داند به این دلیل که از مسیر تاریخی که آمریکا پیموده است کاملاً آگاه است و با همین نگاه خوش‌بینانه ادعا می‌کند که آمریکا همچنان از جایگاه و ویژگی‌های مناسب برای رهبری اقتصاد جهانی از جمله دانشگاه‌های برتر، منابع انرژی فراوان، نظام سرمایه‌داری منعطف، نیروی کار مولد و نظام فضایی منصفانه برخوردار است. او از ضرورت «خوش‌بینی و عزم راسخ» آمریکا برای دفاع از دموکراسی و آزادی در جهان سخن می‌گوید (Biden 2020c). او به تلاش آمریکا برای بروز رسانی نظم بین‌الملل از طریق تقویت ائتلاف‌های بین‌المللی، ساختن روابط با قدرت‌های نوظهور، دفاع از قواعد بین‌المللی و مقابله با ریشه‌های افراط‌گرایی اشاره می‌کند (Biden 2014).

خوش‌بینی بایدن در امر سیاسی، از جفت‌های دوگانه گفتمان انتخاباتی او هم آشکار است. او خودش را طرفدار روشنایی در مقابل تاریکی، امید در برابر ترس، واقعیت در مقابل تخیل و انصاف در مقابل امتیاز معرفی می‌کند (Biden 2020b). یکی دیگر از مصادیق خوش‌بینی بایدن به امور بین‌المللی، رویکرد او نسبت به مسئله هسته‌ای ایران است. او در سال‌های نخست بحران هسته‌ای ایران، در جلسه استماع کمیته روابط خارجی سنادر سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) از احتمال چانه‌زنی بزرگ با ایران سخن می‌گوید؛ چراکه به نظر بایدن حتی با وجود تغییر دولت از خاتمی به احمدی‌نژاد، مواضع بنیادین ایران تغییر نکرده است. حل بحران هسته‌ای ایران آن‌قدر برای بایدن اهمیت دارد که آن را «عامل تعیین‌کننده در امنیت بین‌المللی برای نسل‌ها» می‌داند (Biden 2006c).

مواضع خوش بینانه جو بایدن درباره برنامه هسته‌ای ایران در دوره مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۲۰ هم ادامه داشت. بایدن در مقاله خود در سی ان ان از بازگشت آمریکا به برجام به شرط بازگشت کامل ایران به تعهدات برجامی سخن گفت. او از تلاش آمریکا برای تقویت و توسعه برجام و پرداختن به مسائل دیگر با ایران از جمله برنامه موشکی، زندانیان دو تابعیتی و رعایت مسائل حقوق بشری در داخل ایران سخن می‌گوید. همچنین بایدن بعد از پیروزی در انتخابات همین موضع خوش بینانه را در مصاحبه با توماس فریدمن روزنامه‌نگار نیویورک تایمز به نوعی تکرار کرده است. او گفته است اگرچه راه سختی برای بازگشت به برجام در پیش است، اما در صورت بازگشت ایران به «تبعیت سخت گیرانه» از برجام، آمریکا نیز به عنوان نقطه شروع مذاکرات بعدی به برجام بازمی‌گردد و تحریم‌های دوره ترامپ را برمی‌دارد (Biden 2020a). او در مصاحبه با شبکه سی ان ان که ظاهراً بعد از تصویب قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها در مجلس ایران انجام شده است، مجدداً از امکان بازگشت به برجام و همراه کردن اروپا در این زمینه سخن می‌گوید (Biden and Harris 2020).

۳. آیا آینده قابل پیش بینی است؟ به چه معنا و تا چه حد؟

آینده برای بایدن قابل پیش بینی است؛ به این معنا که آمریکا می‌تواند با اتکای به بهترین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، بهترین منابع انرژی، منعطف‌ترین نظام سرمایه‌داری، کارآمدترین نیروی انسانی و بهترین نظام حقوقی و قضایی در کل جهان، همچنان اقتصاد پیشرو در قرن بیست و یکم باقی بماند (Biden 2014). برای تحقق این هدف، بایدن به پیروزی تاریخی دموکراسی و لیبرالیسم بر فاشیسم و تک‌سالاری اشاره می‌کند که نه تنها تعریف‌کننده گذشته بلکه آینده آمریکا و جهان آزاد است (Biden 2020c). بایدن همچنین با اشاره به شانه خالی کردن دولت ترامپ از بار مسئولیت رهبری جهان، معتقد است با ادامه این روند، کنترل آمریکا بر تحولات آینده جهان از دست خواهد رفت؛ چراکه به نظر او روند تحولات جهان سه حالت خواهد داشت: رهبری جهانی آمریکا، رهبری کنشگران دیگر در تضاد با منافع

و ارزش‌های آمریکا و آشوب (Chaos) که طبیعتاً دو گزینه اخیر برای آمریکا مطلوبیت ندارد. بنابراین بایدن معتقد است که دولت او می‌تواند آمریکا را به جایگاه رهبری جهان بازگرداند و این طریق، روند تحولات جهان را در راستای منافع و ارزش‌های آمریکا کنترل کند. از نظر بایدن هیچ کشور دیگری جز آمریکا توانمندی و ایده رهبری جهان را ندارد (Biden 2020c). بایدن همچنین از قصد دولت اش برای تحکیم اتحادها و ائتلاف‌های بین‌المللی از جمله با استرالیا، ژاپن، کره جنوبی، هند و اندونزی سخن می‌گوید که به نظر او «تعیین‌کننده آینده آمریکا» است. ظاهراً ادراک بایدن این است که آمریکا توانایی تأثیرگذاری بر آینده جهان را دارد و برای این کار باید با نگاه خوش‌بینانه و عزمی راسخ، به تقویت اتحادهای بین‌المللی و دفاع از آزادی و دموکراسی در جهان پردازد (Biden 2020c).

۴. تا چه حد می‌توان بر تحول تاریخی کنترل یا سلطه داشت؟ فرد چه نقشی در حرکت دادن یا شکل دادن به آن در جهت مطلوب خود دارد؟

به نظر بایدن تحول تاریخی توزیع قدرت در عرصه جهانی به شکل گریزناپذیر در حال وقوع است، اما آمریکا می‌تواند مسیر این تحول را تا حدی به سمت منافع خود متمایل کند. بایدن در سخنرانی خود در دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۱۴ به شعری از ویلیام باتلر شاعر ایرلندی در سال ۱۹۱۶ اشاره می‌کند که «همه چیز تغییر کرده است، کاملاً تغییر کرده است. زیبایی وحشتناکی متولد شده است». اشاره شاعر به شکل‌گیری حرکت‌های سیاسی منتهی به انقلاب بلشویکی روسیه است. بایدن بر این نظر است که وضعیت کنونی جهان را هم می‌توان با این شعر به خوبی توضیح داد چراکه به نظر او در جهان امروز نیز همه چیز تغییر کرده است و آمریکا با واقعیت نامطلوب توزیع قدرت در میان دولت‌ها و بین دولت‌ها و در نتیجه بی‌ثباتی در عرصه بین‌المللی مواجه شده است. در این جهان بی‌ثبات، هند و چین در جستجوی قدرت بیشتر و روسیه درصدد استفاده از اشکال نامتقارن کاربرد زور برای دستیابی به منافع خود هستند. بایدن این‌ها را «نشانه‌های تغییرات بنیادین» در

نظم بین‌المللی در پس از جنگ جهانی دوم می‌داند که علی‌رغم حمایت‌های آمریکا اکنون در حال فروریزی است.

تا اینجا به نظر می‌رسد از نظر بایدن، آمریکا بر تحول بنیادین توزیع قدرت در جهان کنترل و سلطه‌ای نداشته است و مجبور است خود را با این تحول سازگار کند. اما بایدن در ادامه از «پروژه دولت او با ما برای بروزرسانی نظم بین‌المللی، مواجه با واقعیات بین‌المللی، سازگاری و پیگیری منافع و ارزش‌های دائمی آمریکا» سخن می‌گوید. او به اجزاء این پروژه از جمله تقویت ائتلاف‌های آمریکا، ساختن روابط با قدرت‌های نوظهور، تقویت و دفاع از قواعد بین‌المللی موجود، مقابله با علل افراط‌گرایی خشن و لازمه همه این‌ها ساختن اقتصاد داخلی قوی و پویا اشاره می‌کند. او اطمینان می‌دهد که آمریکا در مقابل تهدیدات و خطرانی مانند حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر و ماراتن بوستون تسلیم نمی‌شود بلکه بر این تهدیدات غلبه خواهد کرد. او آمریکا را در رقابتی با دشمنانش فرض می‌کند که نهایتاً آمریکا به خط پایان خواهد رسید و پیروز خواهد شد.

بایدن آمریکا را در یکی از «نقاط عطف» تاریخی خود می‌داند. از نظر او «جهان در حال تغییر است چه آمریکا دوست داشته باشد یا نداشته باشد». جهان همانند اتومبیلی است که با سرعت در حال حرکت است، اما «آمریکا که فرمان آن را در اختیار دارد» می‌تواند تا حدودی مسیر آن را تغییر دهد. به نظر او اگر آمریکا از ذکاوت، شجاعت، عزم و کمی شانس برخوردار باشد می‌تواند جهان را به مکان بهتری تبدیل کند (Biden 2014). او در سخنرانی پذیرش نامزدی حزب دموکرات در سال ۲۰۲۰ این انتخابات را بسیار سرنوشت‌ساز می‌داند که «آینده آمریکا را برای زمان طولانی تعیین می‌کند». او همچنین آمریکا را در یکی از «نقاط عطفی» می‌داند که در عین خطرناک بودن، امکان‌های فوق‌العاده‌ای را هم در اختیار آمریکا قرار می‌دهد. هم‌نشینی «خطر» و «امکان» در این گفتار بایدن نشان می‌دهد که او بر آورد محتاطانه‌ای از قدرت کنترل آمریکا بر تحولات جهان دارد (Biden 2020b). از این فضای استعاری بر می‌آید که از نظر بایدن، آمریکا کنترل محدودی بر

تحول تاریخی نظام بین‌الملل دارد چراکه تغییرات با سرعت زیاد و عمیق در حال رخ دادن است؛ اما به هر حال آمریکا باید از همین کنترل محدود خود در راستای منافع اش استفاده کند. یکی از مصادیق این تأثیرگذاری، انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ است که می‌تواند آینده آمریکا را برای دهه‌ها تعیین کند.

۵. شانس چه نقشی در امور انسانی و تحول تاریخی دارد؟

بایدن شانس را عامل حاشیه‌ای در تحقق اهداف سیاسی می‌داند و بیشتر بر محاسبه و برنامه‌ریزی دقیق تأکید دارد. بایدن بر نظر است که اگر بخواهیم آمریکا را در یک کلمه تعریف کنیم، آن کلمه «امکان‌ها»^۱ است (Biden 2020b). بایدن آمریکا را در نقطه عطف تحول تاریخی جهان می‌داند. او در کنار سایر عوامل موردنیاز برای ایفای نقش مؤثر در این نقطه عطف تاریخی از جمله ذکاوت، جسارت و عزم، به ضرورت وجود «کمی شانس» هم اشاره می‌کند (Biden 2014). البته معلوم است که نقش شانس چندان برای بایدن پررنگ نیست؛ به‌خصوص در برخورد با مشکلاتی که برطرف کردن آنها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، علمی و منسجم توسط کارگزاران انسانی است. این مسئله در انتقاد بایدن از عملکرد دولت ترامپ در برخورد با بحران کرونا خود را نشان می‌دهد. بایدن به دولت ترامپ هشدار می‌دهد که اگر برای مقابله با کرونا منتظر معجزه است، هیچ معجزه‌ای رخ نخواهد داد (Biden 2020b).

حوزه باورهای ابزاری (حوزه تاکتیک)

۱. بهترین رویکرد برای انتخاب هدف‌های سیاسی چیست؟

به نظر بایدن انتخاب اهداف سیاسی باید بر اساس رویکرد گام‌به‌گام و با توجه به رضایت‌مندی آگاهانه مردم آمریکا و همچنین رضایت‌مندی متحدان آمریکا انتخاب شود.

گام‌به‌گام بودن: بایدن معتقد است که نه‌تنها در نحوه دستیابی به اهداف سیاسی بلکه در انتخاب این اهداف باید به گام‌به‌گام بودن آن توجه کرد.

او به‌عنوان عضو کمیته روابط خارجی سنا در سال ۲۰۰۶ از هدف‌گذاری گام‌به‌گام در قبال مسئله ایران دفاع کرده است. به نظر او در گام اول، باید «رفتار تهدیدآمیز ایران در کوتاه‌مدت پایان یابد» و در گام دوم، روی «تغییرات بلندمدت» در ایران کار کرد (Biden 2006c). جالب است که بایدن و مشاوران او همین رویکرد گام‌به‌گام را برای مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران در دوران ریاست جمهوری خود از ژانویه ۲۰۲۱ به بعد پیشنهاد داده‌اند. بایدن (Biden 2020a) و مشاوران او (Lubold and Jamerson 2020) بارها تأکید کرده‌اند که اگر ایران به تعهدات برجامی خود بازگردد، آمریکا نیز در گام اول به برجام بر می‌گردد و تحریم‌ها را لغو می‌کند و در گام دوم، تلاش خواهد کرد زمینه تقویت و توسعه برجام را با کمک متحدانش فراهم کند.

رضایت‌مندی آگاهانه مردم آمریکا: بایدن رابطه وثیقی میان رضایت مردم آمریکا و سیاست خارجی این کشور می‌بیند. او در مواضع خود در کمیته روابط خارجی سنا درباره موضوع هسته‌ای ایران در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ بیان می‌کند که «هیچ سیاست خارجی‌ای بدون رضایت آگاهانه مردم آمریکا تداوم نخواهد داشت» (Biden 2006b). بایدن با انتقاد از لفاظی‌های دولت بوش پسر از جمله اینکه «همه گزینه‌ها روی میز است»، هرگونه تصمیم‌گیری برای برخورد با ایران از طریق تحریم نفتی یا حمله نظامی به ایران را منوط به کسب رضایت مردم آمریکا می‌داند؛ مردمی که باید از هزینه‌ها و پیامدهای این اقدامات آگاه شوند تا شاید از تکرار افتضاح عراق جلوگیری شود (Biden 2006c, 2006b). بایدن در سال ۲۰۰۶ از استراتژی تحریم محور دولت بوش در قبال ایران انتقاد می‌کند و معتقد است که تحریم‌ها صرفاً ابزار رسیدن به اهداف روشن برای با مقابله با برنامه هسته‌ای ایران است که دولت بوش تاکنون این اهداف را مشخص نکرده است. بایدن به‌عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ یکی از شروط کاربرد ابزار نظامی در حوزه سیاست خارجی را «رضایت آگاهانه مردم آمریکا» معرفی می‌کند (Biden 2020c).

رضایت‌مندی متحدان: از نظر بایدن یکی از معیارهای انتخاب اهداف

سیاست خارجی آمریکا، میزان حمایت و همراهی متحدان آمریکاست. بایدن در جلسات استماع کمیته روابط خارجی سنا در سال ۲۰۰۶ به دو هدف احتمالی در قبال ایران اشاره می‌کند: یکی تغییر رژیم ایران که به نظر او باعث «رویکردانی اکثر دوستان آمریکا» می‌شود. هدف دیگر که احتمالاً مورد حمایت بسیاری از دوستان آمریکا قرار می‌گیرد، «پایان رفتار تهدیدآمیز ایران در کوتاه‌مدت و درعین‌حال، کار روی تغییر بلندمدت» است (Biden 2006c).

۲. کارآمدترین روش پیگیری هدف‌ها چیست و براساس چه تاکتیکی است؟

بایدن به‌کارگیری دیپلماسی، همکاری و ائتلاف، احیای رهبری قاعده‌محور آمریکا در جهان را مهم‌ترین روش‌های تحقق اهداف سیاست خارجی آمریکا می‌داند.

کاربرد دیپلماسی: بایدن در جلسه استماع کمیته روابط خارجی سنا درباره ایران در سال ۲۰۰۶ به توصیه توماس شیلینگ نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی در حوزه نظریه بازی^۱ اشاره می‌کند که اگر می‌خواهید کشوری را به انجام کاری وادار کنید، تهدید و فشار صرف جواب نمی‌دهد؛ بلکه باید به آن کشور نشان دهید که اگر از خواسته شما پیروی کند، فشار پایان می‌یابد نه اینکه خواسته‌های جدیدی مطرح می‌شود (Biden 2006b). بایدن بر کاربرد دیپلماسی برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی تأکید دارد. او به دیپلماسی آمریکامحور در رسیدن به توافق اتمی با ایران در سال ۲۰۱۵ اشاره می‌کند و به دولت ترامپ می‌تازد که سیاست‌های او منجر به کاهش زمان گریز هسته‌ای ایران به کمتر از چند ماه شده است (Biden 2020d). به نظر بایدن «دیپلماسی باید ابزار نخست قدرت آمریکا باشد». اما «دیپلماسی صرفاً دست دادن و عکس گرفتن نیست بلکه ساختن روابط و یافتن حوزه منافع مشترک و درعین‌حال، مدیریت موضوعات مورد اختلاف است». به نظر بایدن دیپلماسی نیازمند کارشناسان و متخصصان و همین‌طور، داشتن اعتبار جهانی است که دولت ترامپ هر دو را از بین برده است (Biden 2020c). بایدن به شدت طرفدار مذاکره مستقیم با کشورهای مخالف آمریکا از جمله چین، کره شمالی و ایران است. به نظر

او آمریکا باید این پیش فرض را کنار بگذارد که مذاکره به معنای مشروعیت زایی برای طرف مذاکره است (Biden 2006a).

همکاری و ائتلاف: بایدن طرفدار ائتلاف سازی بین المللی با محوریت آمریکا برای مقابله با تهدیدات از جمله چین و ایران است. به نظر او بهترین راه مقابله با چالش چین، ایجاد «جبهه متحدی از متحدان و شرکای آمریکا» برای مقابله با رفتارهای مخرب چین است (Biden 2020c). در زمینه ایران، یکی از انتقادات بایدن به ترامپ این است که او بدون توجه به متحدان آمریکا از توافق هسته‌ای ایران خارج شده است (Biden 2020d) و از این طریق، منجر به تحقیر، تضعیف و حتی در مواردی، رها کردن متحدان و شرکای آمریکا شده است (Biden 2020c).

وعده انتخاباتی بایدن این است که این اتحاد و همکاری از طریق ائتلاف کشورهای دموکراتیک در سراسر جهان از جمله با کشورهایی مانند استرالیا، ژاپن، کره جنوبی، هند، اندونزی و اسرائیل تقویت شود. او ناتورا «قلب امنیت ملی آمریکا» و «سنگر آرمان لیبرال دموکراسی» می‌داند و وعده می‌دهد که در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، نه تنها به شراکت سنتی با ناتو ادامه دهد بلکه به بازسازی و اصلاح ناتو متناسب با دنیای امروز پردازد (Biden 2020c). به نظر بایدن درهم تنیدگی و سرعت چالش‌های عمده جهانی نیازمند دخیل کردن همه ذی نفعان و «پاسخ مشترک جهانی دربرگیرنده بازیگران بیشتر و متنوع تر» و در واقع «ائتلاف قوی آمریکا در اروپا و آسیا» است (Biden 2014). این مسئله نه تنها در موضوعات چندجانبه جهانی بلکه در موضوعات دوجانبه تجاری نیز مدنظر است. بایدن بر این نظر است که در مذاکرات تجاری آینده باید همه ذی نفعان از جمله رهبران اتحادیه کارگری و فعالان محیط زیستی نیز سهم معناداری داشته باشند (Biden 2020c).

احیای رهبری قاعده محور آمریکا در جهان: بایدن وظیفه پرخطر و گاهی خطرناک آمریکا را «رهبری جهان» البته به شکل «عقلانی تر» و استفاده از قدرت آمریکا برای بهبود اوضاع جهان می‌داند (Biden 2014). بایدن همین رویکرد را سال ها بعد در انتقاد از سیاست خارجی دولت ترامپ دنبال

می‌کند؛ چراکه به نظر بایدن دولت ترامپ «رهبری آمریکایی در بسیج اقدام جمعی برای مقابله با تهدیدات جدید» را رها کرده است. او وعده می‌دهد که «اعتماد به رهبری آمریکا» را بازسازی کند و به جهان نشان دهد که آمریکا دوباره آماده رهبری جهان است و هیچ کشور دیگری توانمندی و ایده این کار را ندارد. البته بایدن می‌پذیرد که «رهبری آمریکا مصون از خطا نیست؛ آمریکا اقدامات نادرست و اشتباه داشته است» که یکی از این اشتباهات، اتکای صرف بر قدرت نظامی به جای جنبه‌های دیگر قدرت از جمله دیپلماسی است (Biden 2020c).

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های قدرت نرم آمریکا، قاعده‌گذاری بین‌المللی است. از نظر بایدن قدرت قاعده‌گذاری آمریکا در عرصه بین‌المللی یکی از روش‌های تحقق اهداف سیاست خارجی این کشور است. به نظر او کشورها با یا بدون آمریکا با تجارت می‌کنند اما آنچه مهم است این است که «چه کسی قوانین حاکم بر تجارت را می‌نویسد». به نظر او آمریکا مانند هفتاد سال گذشته باید بر فرایند قاعده‌گذاری تجارت بین‌المللی مسلط باشد. یکی از ابزارهای آمریکا در این فرایند، نیاز چین به تجارت با آمریکا به‌عنوان نیمی از اقتصاد جهانی است. همچنین بایدن نقش فعال و پیش‌رو آمریکا در زمینه تدوین اصول اخلاقی و قوانین حاکم بر تکنولوژی‌های جدید را ضروری می‌داند و معتقد است که نباید به روسیه و چین اجازه داد قواعد عصر دیجیتال را بنویسند (Biden 2020c).

۳. مخاطرات کنش سیاسی چگونه محاسبه، مهار و پذیرفته می‌شود؟

به نظر بایدن مخاطرات کنش‌های سیاست خارجی را می‌توان با بررسی دقیق و همه‌جانبه تخصصی، آگاهی‌رسانی عمومی و مشورت با متحدان آمریکا به حداقل رساند. بایدن هم‌زمان با اوج‌گیری بحران هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۶ به‌عنوان عضو ارشد کمیته روابط خارجی سنا نسبت به محاسبه دقیق و همه‌جانبه پیامدها و خطرات ناشی از هرگونه اقدام تحریمی یا نظامی بر ضد ایران هشدار داده بود. از نظر بایدن چنین مخاطراتی در عرصه سیاست خارجی را باید در سه حوزه داخلی آمریکا، افکار عمومی و گروه‌های سیاسی

داخلی کشورهای هدف و متحدان بین‌المللی آمریکا محاسبه و کنترل کرد. بایدن در سال ۲۰۰۶ سؤال می‌کند که «تحریم ایران چه هزینه ای برای ایران، آمریکا و متحدان کلیدی آمریکا» دارد؟

او همچنین می‌پرسد که چرا دولت بوش پسر، مردم آمریکا را از هزینه‌های اقتصادی ناشی از تحریم ایران آگاه و آنها را آماده نمی‌کند؟ او همچنین نگران است که اروپا، روسیه و چین از تحریم‌های آمریکا بر ضد ایران به این دلیل حمایت نکنند که آمریکا مسیر مذاکره و دیپلماسی با ایران را آزمون نکرده است. بایدن خطر اصلی ناشی از برنامه هسته‌ای ایران را نه لزوماً کاربرد سلاح هسته‌ای بر ضد آمریکا و متحدان بلکه افزایش «جسارت» ایران در منطقه خاورمیانه، تشدید رقابت تسلیحاتی و در نهایت، «خطرناک تر شدن» منطقه خاورمیانه می‌داند (Biden 2006c). مخاطره سیاسی دیگر مورد توجه بایدن، خطر حمایت آمریکا از فعالیت‌های دموکراسی‌خواهی برای این فعالان در داخل ایران است. او با سؤال استفهامی، این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که چه بسا حمایت‌های آمریکا از گروه‌های دموکراسی‌خواه در داخل ایران، همچون «بوسه مرگ» (kiss of death) برای آنهاست و منجر به آسیب دیدن آنها می‌شود (Biden 2006c).

۴. بهترین زمان بندی اقدامات برای پیشبرد منافع فرد چیست؟

بایدن بر این نظر است که آمریکا باید گام‌به‌گام به سوی اهدافش حرکت کند؛ گام اول برای رسیدن به اهداف فوری و گام‌های بعدی، برای رسیدن به اهداف بلندمدت. بایدن در جریان مبارزه انتخاباتی اش تأکید می‌کند که در صورت پیروزی، «قدمهای فوری برای بازسازی دموکراسی و ائتلاف‌ها، آینده اقتصادی آمریکا و رهبری جهان» برخواهد داشت. به نظر او رئیس‌جمهور بعدی آمریکا باید فوراً به نجات وجهه آمریکا در جهان، بازگرداندن اعتماد به رهبری آمریکا و بسیج امکانات آمریکا و متحدان آن برای مقابله با چالش‌های جدید بپردازد (Biden 2020c).

به‌طور خاص درباره ایران، سیاست مطلوب بایدن در قبال ایران، سیاست گام‌به‌گام است که بر اساس آن، در گام کوتاه‌مدت اول، به تهدیدهای فوری

از جانب ایران به خصوص در حوزه هسته‌ای رسیدگی می‌شود تا زمینه برای گام بلندمدت دوم یعنی پرداختن به موضوعات فراگیرتر فراهم شود. این نوع زمان مندی گام به گام هم در اوج بحران هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۶ توسط بایدن مطرح شده است (Biden 2006c). و هم در اوج گیری مجدد موضوع هسته‌ای ایران در سال ۲۰۲۰ به خصوص بعد از خروج دولت ترامپ از برجام (Biden 2020d). بایدن افزایش ذخایر اورانیوم غنی شده ایران تا ده برابر حد مجاز توافق شده در برجام را پیامد خروج آمریکا از برجام می‌داند و خواستار «تغییر فوری» این سیاست شده است (Biden 2020d).

۵. ابزارها و تاکتیک‌های مختلف برای پیشبرد علایق و منافع چه فایده یا نقشی دارند؟

اصولاً دیپلماسی، تحریم و کاربرد زور را می‌توان مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی کشورها دانست. بایدن به هر سه این ابزارها توجه دارد اما استفاده کارآمد از آنها را منوط به تحقق شرایطی می‌داند. به نظر بایدن دیپلماسی مهم‌ترین و اولویت دارترین ابزار قدرت آمریکاست اما کاربرد آن منوط به استفاده از کارشناسان و متخصصان و وجود اعتبار بین‌المللی برای آمریکا جهت همراه کردن متحدان است (Biden 2020c). تحریم نیز یکی از ابزارهای سیاست خارجی آمریکاست. اما کارآمدی آن منوط به همراهی افکار عمومی آمریکا، همراهی متحدان آمریکا، ابتناء بر راهبرد بلندمدت، ایجاد شکاف در هیات حاکمه کشور مورد تحریم، و روشن بودن شرایط خاتمه تحریم‌هاست (Biden 2006b). ابزار زور هم در موارد استثناء برای مواجهه با تهدیدهای فوری امنیت ملی آمریکا مانند مقابله با افراط‌گرایی رادیکال و دفاع از جان سربازان آمریکایی در خاورمیانه، منوط به مشخص بودن دقیق اهداف و همراهی افکار عمومی آمریکا کاربرد دارد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی مقاله بررسی الگوهای ادراکی کلان جو بایدن در حوزه سیاست خارجی با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و مواضع پیشین او بود. بر اساس سؤالات ده‌گانه رمزگان عملیاتی، به سراغ متون برگزیده مربوط به دوره‌های مختلف زندگی سیاسی بایدن رفتیم و این متون را با روش تحلیل کیفی مورد بررسی قرار دادیم. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در حوزه باورهای بنیادین، بایدن عرصه سیاست خارجی را عرصه هماهنگی منافع آمریکا با متحدان و تعارض منافع با رقبا و دشمنان آمریکا می‌داند. بایدن اصولاً فردی خوش‌بین به تحقق آرمان‌های لیبرال آمریکایی است. او سه حالت برای تحولات آینده جهانی متصور است: احیای رهبری آمریکا، پر شدن خلاء رهبری جهان توسط رقبای آمریکا و آشوب جهانی. دیدگاه بایدن این است که آمریکا با اتکای به دانشگاه‌ها، منابع مادی، اقتصاد سرمایه‌داری، نیروی انسانی و نظام حقوقی خود می‌تواند رهبری جهانی خود را احیا کند. بایدن تحول تاریخی انتقال قدرت بین‌المللی را گریزناپذیر و در حال وقوع می‌داند اما معتقد است که آمریکا از طریق احیای رهبری جهانی خود می‌تواند نقش راننده این ماشین در حال حرکت را ایفا و مسیر آن را تا حدی به سمت مقاصد و اهداف خود متمایل کند.

در حوزه باورهای ابزاری (تاکتیکی) بایدن بر این نظر است که اهداف سیاست خارجی آمریکا باید بر اساس رویکرد گام‌به‌گام، مبتنی بر رضایت‌مندی مردم آمریکا و ائتلاف‌سازی بین‌المللی انتخاب شود. از نظر او کارآمدترین روش‌های پیگیری اهداف عبارتند از دیپلماسی و مذاکره، همکاری بین‌المللی، رهبری قاعده‌محور آمریکا و دخیل کردن همه ذی‌نفعان است. بایدن اولویت را به دیپلماسی می‌دهد به شرط آنکه با هدایت متخصصان و مبتنی بر اعتبار جهانی آمریکا پیش برود. از نظر بایدن زمان بندی دستیابی به اهداف سیاست خارجی در قالب گام‌های اولیه تهدیدزدا و اعتمادساز و گام‌های بعدی با اهداف گسترده‌تر قابل تحلیل است.

بر این اساس می‌توان پیش‌بینی کرد که با توجه به اولویت دیپلماسی برای

بایدن، دولت او به سمت تعامل دیپلماتیک با ایران حرکت کند. مهم‌ترین مسئله برای آمریکا، بازگشت ایران به برجام و مهم‌ترین مسئله برای ایران، پایان تحریم‌هاست. بایدن معتقد است که تحریم‌ها به خودی خود هدف نیست؛ بلکه باید در عین حال که زمینه دستیابی به اهداف آمریکا را فراهم می‌کند، راه گریز قابل دفاعی برای کشور تحت تحریم قرار دهد. بنابراین انتظار می‌رود که ایران و آمریکا بر سر رویکرد گام‌به‌گام برای بازگشت به برجام مذاکره کنند. آمریکا برای جلوگیری از کاهش زمان گریز هسته‌ای ایران، باید هرچه سریعتر گام اولیه اعتمادساز در بازگشت به برجام را بردارد و در این صورت، می‌تواند از ایران انتظار داشته باشد که مجدداً به تعهدات کامل هسته‌ای بازگردد. امیدواری بایدن این است که در این گام اولیه بتواند زمینه‌های گام‌های بعدی را فراهم کند. در این مقاله تمرکز اصلی بر کشف الگوهای ادراکی دولت بایدن در حوزه کلان سیاست خارجی بود، اما یافته‌های آن می‌تواند نقطه شروعی برای پژوهش‌های بعدی با تمرکز بیشتر بر چشم‌انداز احتمالی رابطه ایران و آمریکا در دوره بایدن باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

بهستانی، مجید (۱۳۹۲) رابطه نگرش دینی و سیاست خارجی ادراکی. تحلیل رمزگان عملیاتی بازرگان و احمدی نژاد. روابط خارجی 19 (5), pp. 211-247.

خسروی، علیرضا و افراسیابی، شایان (۱۳۹۷) رخدادها و سنجش تغییر در باورهای رهبران (مطالعه موردی. باراک اوباما و انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در ایران، سیاست 47 (48), pp. 651-670.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷) مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی: تهران: سمت .

ب) انگلیسی

Biden, Joe (2003): Hearing Before The Committee On Foreign Relations United States Senate: One Hundred Eighth Congress First Session. Iran: security threats and US Policy. Available online at <https://www.govinfo.gov/content/pkg/CHRG-108shrg92476/html/CHRG-108shrg92476.htm>.

Biden, Joe (2006a): Hearing Before The Committee on Foreign Relations United States Senate One Hundred Ninth Congress. Responding to Iran's nuclear ambitions: Next steps. Available online at <https://www.govinfo.gov/content/pkg/CHRG-109shrg30620/html/CHRG-109shrg30620.htm>.

Biden, Joe (2006b): Hearing Before The Committee On Foreign Relations United States Senate One Hundred Ninth Congress Second Session. A Nuclear Iran: Challenges And Responses. Available online at <https://www.govinfo.gov/app/details/CHRG-109shrg30835>.

Biden, Joe (2006c): Iran's political/nuclear ambitions And U.S. Policy options A compilation of Statements by witnesses Before the Committee on foreign relations United states senate One hundred ninth

congress. Available online at <https://www.govinfo.gov/app/details/CPRT-109SPRT27613/context>.

Biden, Joe (2014): Remarks by the Vice President at the John F. Kennedy Forum, Harvard University. Harvard Kennedy School, Boston, Massachusetts. Available online at <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2014/10/03/remarks-vice-president-john-f-kennedy-forum>.

Biden, Joe (2019): Former Vice President Joe Biden Speech on Foreign Policy in New York City. Available online at https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=video&cd=&cad=r-ja&uact=8&ved=2ahUKEwiU8v_2qsntAhUzAxAIHUKKAdUQtWI-wB3oECAgQAg&url=https%3A%2F%2Fwww.c-span.org%2Fvideo%2F%3F462515-1%2Fvice-president-joe-biden-speech-for-foreign-policy&usg=AOvVaw0CcSycfbcJtZfJurems0bH.

Biden, Joe (2020a): Biden interview with Thomas Friedman, . CNN. USA. Available online at <https://www.nytimes.com/2020/12/02/opinion/biden-interview-mcconnell-china-iran.html>.

Biden, Joe (2020b): Joe Biden's Democratic National Convention (DNC) speech. Available online at <https://joebiden.com/2020/08/25/watch-highlights-of-joe-bidens-dnc-speech/>, updated on August 21.

Biden, Joe (2020c): Why America Must Lead Again. In *Foreign Affairs Magazine*, 2020. Available online at <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2020-01-23/why-america-must-lead-again>, checked on 11/6/2020.

Biden, Joe (2020d): There's a smarter way to be tough on Iran. Opinion by Joe Biden. CNN. USA. Available online at <https://edition.cnn.com/2020/09/13/opinions/smarter-way-to-be-tough-on-iran-joe-biden/index.html> ¼.

Biden, Joe; Harris, Kamala (2020): Biden and Harris interview with CNN,. USA. Available online at Available at <https://edition.cnn.com/2020/12/04/media/biden-harris-tv-interview/index.html>.

Crichlow, Scott (1998): Idealism or Pragmatism? An Operational Code Analysis of Yitzhak Rabin and Shimon Peres. In *Political Psychology* 19 (4), pp.683-706. DOI: 10.1111/0162-895X.00127.

Dyson, Stephen Benedict (2001): Drawing policy implications from the 'Operational Code' of a 'new' political actor: Russian President Vladimir Putin. In *Political Science* 34 (3), pp. 329-346.

Holsti, Ole R. (1976): Foreign policy viewed cognitively. In Robert Axelrod (Ed.): Structure of decision. The cognitive maps of political elites. Princeton, Guildford: Princeton University Press, pp. 18-54.

Lubold, Gordon; Jamerson, Joshua (2020): Biden National Security Adviser Sees U.S. Rejoining Iran Nuclear Deal. In *The Wall Street Journal*, 12/8/2020. Available online at <https://www.wsj.com/articles/biden-national-security-adviser-sees-u-s-rejoining-iran-nuclear-deal-11607399179>, checked on 12/14/2020.

Peake, Jeffrey S. (2016): Presidential Agenda Setting in Foreign Policy. In *Political Research Quarterly* 54 (1), pp. 69-86. DOI: 10.1177/106591290105400104.

Sprout, Harold; Sprout, Margaret (1957): environmental factors in the study of international politics. In *The Journal of Conflict Resolution* 1 (4).

Stephen G. Walker, Mark Schafer and Michael D. Young (1998): Systematic Procedures for Operational Code Analysis: Measuring and Modeling Jimmy Carter's Operational Code. In *International Studies Quarterly* 42 (2).

Tower, John G. (1981): Congress versus the President. The Formulation and Implementation of American Foreign Policy. In *Foreign Affairs* 60 (2), p. 229. DOI: 10.2307/20041078.

Walker, Stephen G. (1977): The Interface Between Beliefs and Behavior Henry Kissinger's Operational Code and the Vietnam War. In *Journal of Conflict Resolution* 21 (1), pp. 129-168. DOI: 10.1177/002200277702100107.

Young, Michael D.; Schafer, Mark (1998): Is There Method in Our Madness? Ways of Assessing Cognition in International Relations. In *Mershon International Studies Review* 42 (1), p. 63. DOI: 10.2307/254444.

